



## تأثیر رابطه سیاسی هیات مدیره شرکت بر تأخیر گزارش حسابرسی

نیکی جمالی هنجانی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه حسابداری

زهرا پورزمانی

دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه حسابداری. (مسئول کاتبات)

Zahra.poorzamani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۲۵

### چکیده

شرکت‌های دارای روابط سیاسی عموماً به واسطه روابط خود، کسب منفعت می‌کنند. لذا در این قبیل شرکت‌ها، ضروری است که از سازوکارهای مقتضی برای تقویت نظارت بر شرکت و کاهش هزینه‌های نمایندگی شرکت استفاده شود. یکی از راهکارها برای دستیابی به این هدف، تقویت سرعت حسابرسی و گزارشگری مالی است. بر این اساس هدف این تحقیق بررسی تأثیر رابطه سیاسی هیات مدیره شرکت بر تأخیر گزارش حسابرسی می‌باشد. در این تحقیق تعداد ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۱ بررسی شده است. جهت آزمون فرضیه‌ها از با انجام تحلیل‌های آماری به روش داده‌های پانل با استفاده از ابزار نرم افزاری Eviews و مدل رگرسیون خطی استفاده شده است. جهت آزمون چاو برای بررسی این که آیا داده‌های ترکیبی جهت برآورد تابع مورد نظر کارآمدتر خواهد بود یا نه، و برای بررسی معنی‌دار بودن مدل رگرسیون از آماره فیشر استفاده شده است. همچنین برای بررسی معنی‌دار بودن ضرایب متغیرهای توضیحی مدل رگرسیون از آماره تی استیودنت و از آزمون دورین-واتسون برای بررسی عدم خودهمبستگی باقیمانده‌های مدل استفاده شده است. نتایج نشان داد ارتباطی معکوس بین روابط سیاسی هیات مدیره شرکت و تأخیر گزارش حسابرسی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: روابط سیاسی، هیات مدیره شرکت، تأخیر گزارش حسابرسی.

## ۱- مقدمه

تأخیر گزارش حسابرسی به عنوان دوره زمانی بین پایان سال مالی یک شرکت و تاریخ گزارش حسابرسی تعریف می‌شود که یکی از متغیرهای خروجی قابل مشاهده خارجی است که اجازه می‌دهد تا دیگران، بهره‌وری حسابرسی را اندازه‌گیری کنند. شرکت‌هایی که تأخیر گزارش حسابرسی کوتاهتری دارند، اغلب درآمد بیشتری گزارش می‌کنند. به موقع بودن گزارشگری مالی یکی از عناصر مهم در تصمیم‌گیری استفاده-کنندگان می‌باشد. محققان دریافته‌اند که این به موقع بودن، احتمالاً بر بازار سهام و قیمت سهام تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، شرکت‌هایی که درآمدشان را دیرتر اعلام می‌کنند، احتمالاً بازده سهام کمتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که درآمدشان را زودتر اعلام می‌کنند. همچنین تأخیر گزارش حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی را به وسیله فراهم نکردن اطلاعات به موقع برای سهامداران به خطر می‌اندازد.

رفتار سیاسی آن دسته از فعالیت‌هایی است که به عنوان بخشی از نقش رسمی در سازمان ضرورت ندارند، ولی در امر توزیع مزایا و کاستی‌های درون سازمان اعمال نفوذ می‌نمایند. به عبارت دیگر رفتار سیاسی شامل فعالیت‌هایی است که در یک سازمان برای اکتساب، توسعه، استفاده از قدرت و سایر منابع برای حصول اولویت‌های یک فرد در موقعیتی که در آن عدم اطمینان (یا عدم توافق) در مورد گزینه‌ها وجود داشته باشد، صورت می‌پذیرد (حاجیها و آریان مفرد، ۱۳۸۹). در کشورهایی که سیستم حقوقی، قدرت کافی برای حمایت از امنیت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ندارد و فساد در سطح گسترده وجود دارد، ارتباطات سیاسی و نزدیکی به دولت امتیاز ارزشمندی برای شرکت‌ها برای فائق آمدن بر نارسایی‌های بازار محسوب می‌گردد (بویگری<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۲).

مطالعات پیشین، شواهدی مبنی بر مزایا و هزینه‌های روابط سیاسی برای شرکت‌ها ارائه نموده‌اند. منتقدان این‌طور استدلال می‌کنند که سیاست‌ها و مقررات دولتی اغلب محیط عدم اطمینان ایجاد می‌نمایند و هزینه‌های معاملات برای سازمان‌های تجاری را افزایش می‌دهند. شرکت‌های دارای روابط سیاسی، به سمت کارایی پایین‌تر گرایش دارند. به‌طور مشابه، سایر مطالعات نیز نشان دادند که شرکت‌های دارای روابط سیاسی، منابع خود را به‌طور کارا و اثربخش مورد استفاده قرار نمی‌دهند. به این ترتیب، علی‌رغم مزایایی که روابط سیاسی دارد، شرکت را به سمت افزایش هزینه‌های نمایندگی سوق می‌دهد. از آنجایی که شرکت‌های دارای روابط سیاسی عموماً به واسطه روابط خود، کسب منفعت می‌کنند، ممکن است که فعالیت‌های خود را از سرمایه‌گذاران پنهان

نمایند و به این طریق، حق کنترل سهامداران اقلیت را از بین ببرند. لذا این قبیل شرکت‌ها تمایل دارند که از سازوکارهای مقتضی برای تقویت نظارت بر شرکت و کاهش هزینه‌های نمایندگی شرکت استفاده نمایند. یکی از راهکارها برای دستیابی به این هدف، تقویت سرعت گزارشگری مالی است. از آنجا که گزارش حسابرسی به موقع، اطمینانی معقول درباره کیفیت گزارشگری مالی برای ذی‌نفعان برون‌سازمانی فراهم می‌آورد، می‌توان استدلال نمود که شرکت‌های دارای روابط سیاسی نسبت به شرکت‌های فاقد روابط سیاسی، صورت‌های مالی حسابرسی شده را با سرعت بالاتری گزارش می‌نمایند. لذا ارتباطی معکوس بین روابط سیاسی شرکت و تأخیر گزارش حسابرسی برقرار است.

با توجه به مطالب ذکر شده هدف این پژوهش بررسی تاثیر رابطه سیاسی هیات مدیره شرکت بر تأخیر گزارش حسابرسی می‌باشد.

## ۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

اهمیت درک نقش شرکت‌های دارای روابط سیاسی در اقتصادهای کشورهای در حال توسعه، ناشی از رشد آن‌ها و اهمیت متعاقب در دهه اخیر است (بلیس و گال<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). علاوه بر این، توجه به تأثیر روابط سیاسی در کشورهای آسیایی، از مباحث مورد توجهی است که توجه محققان را به خود جلب کرده است (برکمن و گالپودیچ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). مطالعات پیشین که نقش روابط سیاسی در سازمان‌دهی را مورد بررسی قرار داده‌اند، دامنه‌ای گسترده داشته و ارتباط بین روابط سیاسی با نتایج گوناگون مالی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. برای نمونه، این مطالعات به بررسی ارتباط بین روابط سیاسی و حق الزحمه حسابرسی، طی و پس از دوره بحران مالی (گال<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶)؛ نقش کمیته حسابرسی و دوگانگی وظایف مدیرعامل در شرکت‌های دارای روابط سیاسی (بلیس<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۱)؛ عملکرد شرکت‌های دارای روابط سیاسی از منظر خصوصی‌سازی (بویگری<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۸)؛ کیفیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های دارای روابط سیاسی (چانی<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۱) و نقش روابط سیاسی در تعیین هزینه بدهی و نقدشوندگی (بلیس و گال<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲) پرداخته‌اند. به‌هرحال، موضوعی که تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است، رفتار شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مبحث تأخیر گزارش حسابرسی است.

تأخیر گزارش حسابرسی به عنوان دوره زمانی بین پایان سال مالی یک شرکت و تاریخ گزارش حسابرسی تعریف می‌شود که یکی از متغیرهای خروجی قابل مشاهده خارجی است که

بین روابط سیاسی شرکت و تأخیر گزارش حسابرسی برقرار است.

حبیب و موهمدی (۲۰۱۸) به بررسی "ارتباطات سیاسی و تأخیر گزارش حسابرسی: شواهد اندونزیایی" پرداختند. آنان استدلال نمودند که گزارش حسابرسی به موقع، اطمینانی معقول درباره کیفیت گزارشگری مالی برای ذی‌نفعان برون-سازمانی فراهم می‌آورد. لذا می‌توان استدلال نمود که شرکت-های دارای روابط سیاسی نسبت به شرکت‌های فاقد روابط سیاسی، صورت‌های مالی حسابرسی‌شده را با سرعت بالاتری گزارش می‌نمایند و تأخیر کمتری در ارائه گزارش دارند.

بروکس<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان "روابط سیاسی و تقاضا برای حسابرسان متخصص در صنعت"، استدلال نمود که شرکت‌های دارای روابط سیاسی، در راستای کمینه‌سازی هزینه‌های نمایندگی مربوط به روابط سیاسی، تقاضای بیشتری برای استفاده از حسابرسان متخصص صنعت خواهند داشت. وی با بررسی شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایالات متحده آمریکا در راستای استدلال پیش‌گفته، ارتباطی مستقیم بین روابط سیاسی و انتخاب حسابرسان متخصص صنعت یافت.

بنجامین<sup>۱۹</sup> و همکاران (۲۰۱۶) به پژوهشی تحت عنوان "ارتباطات سیاسی و پرداخت سود تقسیمی در مالزی: اثرگذاری سرمایه‌گذاران نهادی" پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، تمایل به پرداخت سود سهام پایین‌تر دارند. همچنین مالکیت نهادی با پرداخت سود سهام بالاتر همراه است. در واقع، مطالعه آنان نشان داد سطوح بالای مالکیت نهادی رابطه منفی بین ارتباطات سیاسی شرکت‌ها و سود تقسیمی را تعدیل می‌نماید.

تانی<sup>۲۰</sup> و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی برای صاحبکاران پیشین شرکت اندرسن، که به صورت داوطلبانه حسابرس خود را به سایر شرکت‌های عضو ۵ شرکت بزرگ حسابرسی برای سال مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۲۰۰۲ میلادی تغییر داده‌اند، بیشتر است. همچنین، نتایج پژوهش آنان نشان داد که شرکت-هایی که به طور داوطلبانه حسابرس خود را تغییر داده‌اند تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی آن‌ها به مقدار کمی از شرکت‌هایی بیشتر است که حسابرس خود را تغییر داده‌اند.

ژانگ<sup>۲۱</sup> و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان "روابط سیاسی، شفافیت و انتخاب حسابرس: شواهدی از شرکت‌های تحت مالکیت خانوادگی در چین"، به بررسی ارتباط بین روابط سیاسی، شفافیت و انتخاب حسابرس پرداختند. نتایج بررسی‌های آنان نشان داد شرکت‌هایی که

اجازه می‌دهد تا دیگران، بهره‌وری (کارایی) حسابرسی را اندازه‌گیری کنند (بمب<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). به بیان کورتیس<sup>۹</sup> (۲۰۰۸)، شرکت‌هایی که تأخیر گزارش حسابرسی کوتاهتری دارند، اغلب درآمد بیشتری گزارش می‌کنند. به‌موقع بودن گزارشگری مالی یکی از عناصر مهم در تصمیم‌گیری استفاده-کنندگان می‌باشد. محققان دریافته‌اند که این به‌موقع بودن، احتمالاً بر بازار سهام و قیمت سهام تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، شرکت‌هایی که درآمدشان را دیرتر اعلام می‌کنند، احتمالاً بازده سهام کمتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که درآمدشان را زودتر اعلام می‌کنند (کراس و شرودر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). همچنین تأخیر گزارش حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی را به‌وسیله فراهم نکردن اطلاعات به‌موقع برای سهامداران به خطر می‌اندازد.

مطالعات پیشین، شواهدی مبنی بر مزایا و هزینه‌های روابط سیاسی برای شرکت‌ها ارائه نموده‌اند. منتقدان این‌طور استدلال می‌کنند که سیاست‌ها و مقررات دولتی اغلب محیط عدم‌اطمینان ایجاد می‌نمایند و هزینه‌های معاملات برای سازمان‌های تجاری را افزایش می‌دهند. جانسون و میتون<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۳) دریافته‌اند که شرکت‌های دارای روابط سیاسی، به سمت کارایی پایین‌تر گرایش دارند. به‌طور مشابه، سایر مطالعات نیز نشان دادند که شرکت‌های دارای روابط سیاسی، منابع خود را به‌طور کارا و اثربخش مورد استفاده قرار نمی‌دهند (فان<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ فاسیو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۰). به این ترتیب، علی‌رغم مزایایی که روابط سیاسی دارد، شرکت را به سمت افزایش هزینه‌های نمایندگی سوق می‌دهد (چای<sup>۱۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲). از آنجایی که شرکت‌های دارای روابط سیاسی عموماً به‌واسطه روابط خود، کسب منفعت می‌کنند، ممکن است که فعالیت‌های خود را از سرمایه‌گذاران پنهان نمایند (لئوز و اوپولزر-گی<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۳) و به این طریق، حق کنترل سهامداران اقلیت را از بین ببرند (لاپورتا<sup>۱۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). لذا این قبیل شرکت‌ها تمایل دارند که از سازوکارهای مقتضی برای تقویت نظارت بر شرکت و کاهش هزینه‌های نمایندگی شرکت استفاده نمایند. یکی از راهکارها برای دستیابی به این هدف، تقویت سرعت گزارشگری مالی است. از آنجا که گزارش حسابرسی به‌موقع، اطمینانی معقول درباره کیفیت گزارشگری مالی برای ذی‌نفعان برون‌سازمانی فراهم می‌آورد، می‌توان استدلال نمود که شرکت‌های دارای روابط سیاسی نسبت به شرکت‌های فاقد روابط سیاسی، صورت‌های مالی حسابرسی‌شده را با سرعت بالاتری گزارش می‌نمایند (حبیب و موهمدی<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۸). لذا ارتباطی معکوس

حسابرسی با تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد.

### ۳- روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی و در زمره تحقیقات توصیفی حسابداری به شمار می رود. به علاوه با توجه به اینکه از اطلاعات تاریخی در آزمون فرضیات آن استفاده شده در گروه تحقیقات شبه آزمایشی طبقه بندی می گردد. همچنین تحقیق حاضر به لحاظ معرفت شناسی از نوع تجربه گرا، سیستم استدلال آن استقرایی و به لحاظ نوع مطالعه میدانی - کتابخانه ای با استفاده از اطلاعات تاریخی به صورت پس رویدادی باشد. به منظور انتخاب نمونه آماری شرایطی به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری آنها، سال مالی شرکتها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد. ۲. طی قلمرو زمانی پژوهش، هیچگونه توقف فعالیت نداشته و دوره مالی خود را تغییر نداده باشند. ۳. کلیه ی اطلاعات مورد نیاز از شرکتها برای پژوهش در دسترس باشد. ۴. جزء بانک ها و موسسات مالی (شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گران مالی، شرکت های هلدینگ و لیزینگ ها) نباشند. بنابراین با در نظر گرفتن محدودیت های تحقیق تعداد ۱۲۷ شرکت طی قلمرو زمانی تحقیق طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ جامعه آماری تحقیق را تشکیل می دهد.

این پژوهش برای پاسخگویی به سوال اصلی تحقیق و رسیدن به اهداف تحقیق فرضیه زیر را طراحی کرده است. روابط سیاسی شرکت بر تأخیر گزارش حسابرسی تاثیر دارد.

### ۴- الگوها و متغیرهای تحقیق

به منظور آزمون فرضیه اول مطالعه حاضر از مدل زیر استفاده می شود ( $\beta_1$ ):

$$LN\_ARL_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PCON_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 GROWTH_{i,t} + \beta_5 LOSS_{i,t} + \beta_6 |DAC_{i,t}| + \beta_7 AUDIT_{i,t} + \beta_8 OPINION_{i,t} + \beta_9 BIND_{i,t} + \beta_{10} OCON_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

### ۴-۱- متغیر وابسته

$LN\_ARL_{i,t}$  = تأخیر گزارش حسابرسی شرکت i در سال t که برابر است با لگاریتم تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ امضای گزارش حسابرسی.

شفافیت کمتری در افشاء دارند، در مقایسه با سایر شرکتها، موسسات حسابرسی کوچک و با کیفیت پایین را به عنوان حسابرس انتخاب می نمایند. همچنین شرکت هایی که مدیران آنها افراد سیاسی هستند، معمولاً موسسات حسابرسی کوچک را به عنوان حسابرس خود انتخاب می نمایند.

صفری گرایلی (۱۳۹۶) به بررسی تاخیر غیرعادی گزارش حسابرسی و تجدید ارائه صورت های مالی آتی: نقش تعدیلی وابستگی اقتصادی و تخصص صنعت حسابرس پرداخت. بدین منظور، نمونه ای متشکل از ۸۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ انتخاب گردید و فرضیه های تحقیق با استفاده از مدل های رگرسیون لجستیک مورد آزمون قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان داد که تأخیر غیرعادی گزارش حسابرس، احتمال تجدید ارائه صورت های مالی آتی را افزایش می دهد و وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار، اثر تأخیر غیرعادی گزارش حسابرس بر تجدید ارائه صورت های مالی را تشدید می کند.

ملایمی و مرفوع (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی پرداخت. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین متغیرهای مستقل خطای پیش بینی سود و میزان تعدیلات سنواتی با متغیر تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی رابطه معنادار و منفی برقرار بوده و بین متغیر مستقل رتبه کیفیت افشای اطلاعات شرکتها و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی، رابطه ای برقرار نمی باشد.

رحیمیان و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه ای تحت عنوان درماندگی مالی و تأخیر گزارش حسابرسی، به بررسی تأثیر درماندگی مالی بر تأخیر گزارش حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها این-طور استدلال نمودند که شرکت های دارای وضعیت مالی ضعیف تر، حسابرس را در معرض خطر حسابرسی بیشتری قرار می دهند و بنابراین، تأخیر گزارش حسابرسی افزایش می یابد. نتایج پژوهش بیانگر عدم تأثیر درماندگی مالی بر تأخیر گزارش حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

واعظ و احمدی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین دو عامل حق الزحمه حسابرسی و تغییر حسابرس با تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی شرکت های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش آنان نشان داد که تغییر حسابرس با تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی رابطه معناداری ندارد اما حق الزحمه

۴-۲- متغیر مستقل

$PCON_{i,t}$  = روابط سیاسی شرکت  $i$  در سال  $t$  که نشانه‌های روابط سیاسی شرکت عبارتند از وجود اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت، مجلس، نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده دولتی و شبه دولتی در ساختار مالکیت شرکت. این متغیر با مقدار یک و صفر نشان داده می‌شود. در صورت وجود روابط سیاسی، مقدار آن یک و در غیر آن صورت، برابر صفر خواهد بود.

۴-۳- متغیرهای کنترلی

$SIZE_{i,t}$  = اندازه شرکت  $i$  در سال  $t$  که برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها.  
 $LEV_{i,t}$  = اهرم مالی شرکت  $i$  در سال  $t$  که برابر است با نسبت بدهی بلندمدت به کل دارایی‌ها.  
 $GROWTH_{i,t}$  = فرصت‌های رشد شرکت  $i$  در سال  $t$  که برابر است با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.  
 $LOSS_{i,t}$  = زیان‌ده بودن شرکت  $i$  در سال  $t$  که اگر شرکت، زیان خالص داشته باشد، این متغیر برابر یک قرار می‌گیرد و در غیر این صورت، برابر صفر خواهد بود.

$|DAC_{i,t}|$  = مدیریت سود شرکت  $i$  در سال  $t$  که برای اندازه‌گیری این متغیر در ابتدا، با استفاده از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) (کوداری<sup>۲۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۵) اقدام به تفکیک اقلام تعهدی اختیاری و اقلام تعهدی غیراختیاری می‌شود. معادله زیر در سطح شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تخمین زده می‌شود:

$$ACC_{i,t} = \alpha_0 (1/Assets_{i,t-1}) + \alpha_1 (\Delta Sales_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \alpha_2 PPE_{i,t} + \alpha_3 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$ACC_{i,t}$  = کل اقلام تعهدی شرکت  $i$  در سال  $t$  و برابر است با سودخالص منهای جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t-1$ ؛

$$Assets_{i,t-1} = \text{کل دارایی‌های شرکت } i \text{ در سال } t-1$$

$\Delta Sales_{i,t}$  = درآمد فروش شرکت  $i$  در سال  $t$  منهای درآمد فروش شرکت  $i$  در سال  $t-1$  تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t-1$ ؛

$\Delta AR_{i,t}$  = حساب‌های دریافتی شرکت  $i$  در سال  $t$  منهای حساب‌های دریافتی شرکت  $i$  در سال  $t-1$  تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t-1$ ؛

$PPE_{i,t}$  = حساب اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت  $i$  در سال  $t$  تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t-1$ ؛ و

$ROA_{i,t}$  = بازده دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$  و برابر با نسبت سودخالص شرکت  $i$  در سال  $t$  به کل دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t-1$ .

باقیمانده مدل مذکور، نشانگر اقلام تعهدی اختیاری است که از قدرمطلق آن استفاده می‌گردد.

$AUDIT_{i,t}$  = اندازه موسسه حسابرسی شرکت  $i$  در سال  $t$  که اگر موسسه حسابرسی کننده شرکت، سازمان حسابرسی باشد، این متغیر برابر یک قرار می‌گیرد و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.

$OPINION_{i,t}$  = اظهارنظر حسابرسی تعدیل‌شده شرکت  $i$  در سال  $t$  که اگر شرکت، اظهارنظر حسابرسی نامقبول (مشروط، مردود و عدم اظهارنظر) دریافت کرده باشد، این متغیر برابر یک قرار می‌گیرد و در غیر این صورت (اظهارنظر حسابرسی مقبول)، برابر صفر خواهد بود.

$BIND_i$  = استقلال هیئت مدیره شرکت  $i$  در سال  $t$  که برابر است با نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره.

$OCON_{i,t}$  = تمرکز مالکیت شرکت  $i$  در سال  $t$  که برابر است با نسبت سهام تحت تملک سهامداران بیش از پنج درصد سهام شرکت.

۵- یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های توضیفی متغیرها نیز در جدول ۱ نشان داده شده است.

میانگین، اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص مرکزی به شمار می‌آید که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقدار میانگین متغیر تأخیر گزارش حسابرسی، ۴/۳۲۶ است. میانه نقطه‌ای است که یک نمونه را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌نماید. به عبارتی دیگر، ۵۰ درصد مشاهدات قبل و ۵۰ درصد مشاهدات بعد از آن قرار دارند. همان‌طور که در جدول ۴-۱ نشان داده شده است، مقدار میانه متغیر تأخیر گزارش حسابرسی، ۴/۴۴۲ است. به‌طور کلی، معیارهای پراکندگی، معیارهایی هستند که پراکندگی مشاهدات را حول میانگین بررسی و مقایسه می‌نمایند. یکی از مهم‌ترین معیارهای پراکندگی، انحراف معیار می‌باشد. با توجه به جدول فوق، این معیار برای متغیر تأخیر گزارش حسابرسی، ۰/۳۸۶ است. گفتنی است بیشترین مقدار متغیر تأخیر گزارش حسابرسی برابر با ۵/۷۵۵ و کمترین مقدار آن برابر با ۲/۸۹ است. چولگی

و شین و آزمون دیکی فولر می‌توان استفاده نمود. در مطالعه حاضر به منظور انجام این تحلیل، از آزمون ایم، پسران و شین استفاده می‌شود. نتیجه این آزمون در جدول شماره ۱ ارائه شده است. با توجه به نتایج این جدول، مقدار سطح معناداری متغیرهای پژوهش کمتر از ۵ درصد است و بنابراین، در دوره مورد بررسی در سطح پایا هستند.

و کشیدگی متغیر مذکور نیز به ترتیب برابر ۰/۵۹۱- و ۳/۲۱۲ است. پایایی متغیرهای پژوهش به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال-های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه، استفاده از این متغیرها در مدل، باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. به این منظور، از آزمون‌هایی نظیر لوین، لین و چو، آزمون ایم، پسران

جدول ۱ - ویژگی‌های توصیفی متغیرها

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	آزمون ایم، پسران و شین	
								سطح معناداری	آماره
تأخیر گزارش حسابداری	۴/۳۲۶	۴/۴۴۲	۵/۷۵۵	۲/۸۹	۰/۳۸۶	-۰/۵۹۱	۳/۲۱۲	-۹/۶۱۲	۰/۰۰۰
روابط سیاسی شرکت	۰/۴۸	۰/۰۰۰	۱/۴۴	۰/۰۰۰	۰/۵۰۲	۰/۲۳۲	۱/۰۹۳	-۹/۲۲۷	۰/۰۰۰
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۴۲۴	۰/۱۲۹	۶/۵۹۳	۰/۰۰۰	۰/۸۱۱	۴/۲۱۹	۵/۵۹۲	-۹/۹۳۷	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۱۴/۰۱۹	۱۳/۸۷۷	۱۹/۱۳۳	۱۰/۴۹۱	۱/۴۷۷	۰/۸۱۱	۴/۴۹۴	-۸/۱۷۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۸۶	۰/۰۴۴	۰/۹۴۶	۰/۰۰۰	۰/۱۱۵	۲/۹۹۷	۹/۸۱۶	-۱۲/۰۵۴	۰/۰۰۰
فرصت‌های رشد	۲/۶۳۲	۲/۱۴۷	۱۲/۵۱۵	۰/۱۷۹	۱/۸۳	۱/۹۲۷	۸/۰۹۳	-۱۰/۵۶۳	۰/۰۰۰
زبان‌ده بودن	۰/۱۱۶	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۲۱	۲/۳۹	۶/۷۱۲	-۱۹/۴۶۶	۰/۰۰۰
اندازه موسسه حسابداری	۰/۱۹۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۹۹	۱/۵۱۲	۳/۲۸۷	-۱۹/۰۱۳	۰/۰۰۰
اظهاری نظر حسابداری تعدیل شده	۰/۵۶۶	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۵	-۰/۲۷	۱/۰۷۲	-۱۳/۴۱۹	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۶۴۱	۰/۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳۱	-۰/۸۲۱	۳/۹۰۳	-۱۳/۴۸	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	۰/۷۲۵	۰/۷۷	۰/۹۸۹	۰/۱۳۴	۰/۱۸۱	-۰/۹۱۳	۳/۳۱	-۱۲/۰۳۵	۰/۰۰۰
مدیریت سود	۰/۰۹۷	۰/۰۶۸	۰/۴۸۲	۰/۰۰۰	۰/۰۹۴	۱/۴۷۵	۴/۹۵۱	-۱۹/۹۵۳	۰/۰۰۰

تخمین مدل مدیریت سود

در راستای برآورد ضرایب مدل مذکور، از آزمون‌های چاو و هاسمن برای شناسایی روش مناسب تخمین مدل استفاده می‌شود (جدول ۲).

مطابق آنچه در جدول شماره ۲ دیده می‌شود، روش اثرات ثابت بر روش‌های دیگر دارای ارجحیت است و لذا مدل مذکور با استفاده از روش اثرات ثابت، برآورد می‌گردد که نتایج مربوطه در جدول ۳ ارائه شده است.

برای بررسی نرمال بودن متغیر وابسته و باقیمانده‌ها از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف استفاده شده است. اگر مقدار احتمال مربوط به این آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ باشد، با اطمینان ۹۵٪ میتوان نرمال بودن توزیع متغیرها را مورد تایید قرار داد و برعکس. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۸۳) متغیر وابسته تحقیق دارای توزیع نرمال می باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه به شرح زیر می باشد:

جدول ۲ - نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن

آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
چاو (اثرات ثابت در برابر تلفیقی)	۴/۶۶۳	۰/۰۰۰	استفاده از روش اثرات ثابت
هاسمن (اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی)	۲۵/۷۹۴	۰/۰۰۰	استفاده از روش اثرات ثابت

جدول ۳- نتایج تخمین مدل مدیریت سود

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	-۸/۲۸۷	۰/۰۰۰	-
$1/Assets_{i,t-1}$	۳۹۸۰/۱۵۱	۶۸۴/۹۱۲	۵/۸۱۱	۰/۰۰۰	۱/۰۲۵
$\Delta Sales_{i,t} - \Delta AR_{i,t}$	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰۹	۹/۰۱۵	۰/۰۰۰	۱/۰۱۳
$PPE_{i,t}$	-۰/۰۴۷	۰/۰۱۶	-۲/۹۲۲	۰/۰۰۳	۱/۰۲۲
$ROA_{i,t}$	۰/۳۲۶	۰/۰۲۵	۱۲/۶۹۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۷
آماره F		۷/۴۴۴		ضریب تعیین	۰/۶۵۸
سطح معناداری آماره F		۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۲
تصحیح وایت دیاگونال (رفع اثرات احتمالی ناهمسانی واریانس)				مقدار دوربین- واتسون	۲/۱۴۶

آن کوچکتر از ۰/۰۵ است، ارتباطی معنادار و معکوس بین روابط سیاسی شرکت و تأخیر گزارش حسابرسی برقرار است. به این ترتیب فرضیه اول مطالعه حاضر مبنی بر این که ارتباطی معکوس بین روابط سیاسی شرکت و تأخیر گزارش حسابرسی وجود دارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

همچنین متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده و مدیریت سود دارای رابطه مستقیم و معنادار با متغیر وابسته هستند و متغیرهای فرصت‌های رشد، زیان‌ده بودن، اندازه موسسه حسابرسی، استقلال هیئت مدیره و تمرکز مالکیت، رابطه معکوس و معنادار با متغیر وابسته دارند. لازم به ذکر است آماره دوربین- واتسون مدل نیز ۲/۰۶۹ است که بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. ضمناً سطح معناداری آماره F نیز ۰/۰۰۰ است که پایین‌تر از ۰/۰۵ بوده و نشان از معناداری مدل دارد. دیگر نکته قابل توجه در جدول شماره ۵، ضریب تعیین تعدیل شده مدل است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل مورد استفاده حدود ۵۷ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد حدود ۵۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی قابل توضیح است. لازم به ذکر است که استفاده از تصحیح وایت دیاگونال، منجر به رفع اثرات ناهمسانی واریانس احتمالی گردیده است. ضمناً باتوجه به این که مقدار عامل تورم واریانس (VIF) برای تمامی متغیرها کمتر از عدد پنج است، مشکلی هم‌خطی در مدل تحقیق وجود ندارد.

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ مقادیر مدیریت سود برای شرکت‌ها محاسبه گردید. آماره دوربین- واتسون مدل نیز ۲/۱۴۶ است که بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. ضمناً سطح معناداری آماره F نیز ۰/۰۰۰ است که پایین‌تر از ۰/۰۵ بوده و نشان از معناداری مدل دارد. دیگر نکته قابل توجه در جدول شماره ۳ ضریب تعیین تعدیل شده مدل است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل مورد استفاده حدود ۶۲ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد حدود ۶۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل قابل توضیح است. لازم به ذکر است که استفاده از تصحیح وایت دیاگونال، منجر به رفع اثرات ناهمسانی واریانس احتمالی گردیده است. ضمناً باتوجه به این که مقدار عامل تورم واریانس (VIF) برای تمامی متغیرها کمتر از عدد پنج است، مشکلی هم‌خطی در مدل تحقیق وجود ندارد.

#### تخمین مدل فرضیه تحقیق

در راستای برآورد ضرایب مدل فرضیه اول تحقیق، از آزمون‌های چاو و هاسمن برای شناسایی روش مناسب تخمین مدل استفاده می‌شود (جدول ۴).

مطابق آنچه در جدول شماره ۴ دیده می‌شود، روش اثرات ثابت بر دو روش دیگر دارای ارجحیت است و لذا مدل مذکور با استفاده از روش اثرات ثابت، برآورد می‌گردد که نتایج مربوطه در جدول ۵ ارائه شده است.

با توجه به نتایج جدول شماره ۵، از آنجا که آماره t متغیر روابط سیاسی شرکت بزرگتر از ۱/۹۶۵- بوده و سطح معناداری

جدول ۴- نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن

آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
چاو (اثرات ثابت در برابر تلفیقی)	۴۶/۲۳۱	۰/۰۰۰	استفاده از روش اثرات ثابت
هاسمن (اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی)	۳۰/۷	۰/۰۰۱	استفاده از روش اثرات ثابت



جدول ۵- نتایج آزمون مدل فرضیه تحقیق

VIF	سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر
-	۰/۰۰۰	۱۱/۲۸۸	۰/۰۴۲	۰/۴۷۴	مقدار ثابت
۱/۱۲۳	۰/۰۰۰	-۳/۶۶۳	۰/۰۱۷	-۰/۰۶۲	روابط سیاسی شرکت
۱/۱۷۵	۰/۰۰۰	۴/۲۸۴	۰/۰۱۴	۰/۰۶۲	اندازه شرکت
۱/۰۳۷	۰/۰۰۰	۴/۱۸۸	۰/۰۲۲	۰/۰۹۳	اهرم مالی
۱/۰۹۱	۰/۰۰۰	-۳/۹۹۴	۰/۰۲۳	-۰/۰۹۵	فرصت‌های رشد
۱/۰۵	۰/۱۰۲	-۱/۶۳۷	۰/۰۱۵	-۰/۰۲۵	زیان‌ده بودن
۱/۱۱۱	۰/۰۰۰	-۹/۸۸۲	۰/۰۱۷	-۰/۱۷۳	اندازه موسسه حسابرسی
۱/۰۸۴	۰/۰۱۷	۲/۳۹۳	۰/۰۱۴	۰/۰۳۳	اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده
۱/۰۹۴	۰/۰۱۲	-۲/۵۰۲	۰/۰۱۸	-۰/۰۴۷	استقلال هیئت مدیره
۱/۱۱۴	۰/۰۰۶	-۲/۷۳۵	۰/۰۳۳	-۰/۰۰۹	تمرکز مالکیت
۱/۰۵۲	۰/۰۰۴	۲/۸۷۸	۰/۰۰۳	۰/۰۸۶	مدیریت سود
۰/۵۹۷	ضریب تعیین		۱۹/۲۱۱	آماره F	
۰/۵۷۱	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۰۰۰	سطح معناداری آماره F	
۲/۰۶۹	مقدار دوربین- واتسون		تصحیح وایت دیاگونال (رفع اثرات احتمالی ناهمسانی واریانس)		

گزارشگری مالی برای ذی‌نفعان برون‌سازمانی فراهم می‌آورد، می‌توان استدلال نمود که شرکت‌های دارای روابط سیاسی نسبت به شرکت‌های فاقد روابط سیاسی، صورت‌های مالی حسابرسی شده را با سرعت بالاتری گزارش می‌نمایند (حبیب و موهمدی، ۲۰۱۸). لذا ارتباطی معکوس بین روابط سیاسی شرکت و تأخیر گزارش حسابرسی برقرار می‌باشد. این نتیجه را می‌توان منطبق با نتایج بوبکری و همکاران (۲۰۱۲) و بروکس (۲۰۱۷) و در تضاد با نتایج ژانگ و همکاران (۲۰۱۰) و بنجامین و همکاران (۲۰۱۶) دانست.

**\* فهرست منابع**

- \* توکل‌نیا، اسماعیل. (۱۳۹۶). تخصص حسابرسی در صنعت، جریان نقد آزاد و مدیریت سود از طریق معاملات با اشخاص وابسته. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴ (۱)، ۴۱-۶۰.
- \* رحیمیان، نظام‌الدین؛ توکل‌نیا، اسماعیل؛ قربانی، محمود. (۱۳۹۳). درماندگی مالی و تأخیر گزارش حسابرسی، ۱ (۲۲) ۵۷-۷۷.
- \* سرلک، نرگس و اکبری، مینا. (۱۳۹۲). رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۰ (۴)، ۷۷-۹۲.
- \* صادقی حسن آبادی، حسن. (۱۳۸۸). عوامل تأثیرگذار بر زمان صدور گزارش حسابرسی. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی.

**۶- نتیجه گیری**

با توجه به رقابت شدید حاکم بر بازارهای مالی، دسترسی به موقع به اطلاعات، از مهم‌ترین عوامل و معیارهای کیفی برای اتخاذ تصمیمات مناسب بدل شده است. بر این اساس، انتقال به موقع اطلاعات به استفاده‌کنندگان مستلزم این است که فرآیند جمع‌آوری، تلخیص و انتشار اطلاعات به‌صورتی سریع‌تر انجام پذیرد تا قبل از این در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار گیرند که اطلاعات، توان اثرگذاری خود بر تصمیم‌گیری را از دست دهند (صادقی حسن آبادی، ۱۳۸۸). از آنجاکه گزارش حسابرسی حاوی نظر حسابرسی در مورد اعتبار صورت‌های مالی است، سرمایه‌گذاران به‌طور کلی تأخیر گزارش حسابرسی کوتاه‌تر را ترجیح می‌دهند، زیرا آن‌ها زودتر اظهار نظر حسابرسی را دریافت می‌کنند و با سرعت بیشتری می‌توانند اولویت‌های سرمایه‌گذاری خود را تنظیم کنند. همچنین درک و شناسایی این موضوع که مدت زمان حسابرسی، می‌تواند عاملی مهم و اثرگذار بر به موقع بودن ارائه اطلاعات مالی باشد، باعث شده که مطالعاتی درباره تأخیر گزارش حسابرسی و عوامل موثر بر آن صورت گیرد. با توجه به مطالب ذکر شده هدف این پژوهش بررسی تاثیر رابطه سیاسی هیات مدیره شرکت بر تأخیر گزارش حسابرسی می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان داد که ارتباطی معکوس بین روابط سیاسی شرکت و تأخیر گزارش حسابرسی وجود دارد. از آنجا که گزارش حسابرسی به موقع، اطمینانی معقول درباره کیفیت



- attributes. *Accounting and Business Research*, 25, 45-56.
- \* Faccio, M. (2010). Differences between politically-connected and non-connected firms: A cross country analysis. *Financial Management*, 39 (3), 905-928.
- \* Fan, J.P.H., Wong, T.J. and Zhang, T. (2007). Politically-connected CEOs, corporate governance, and post-IPO performance of China's newly partially-privatized firms. *Journal of Financial Economics*, 84 (2), 330-357.
- \* Gordon, E. A. and Henry, E. (2005). Related party transactions and earning management. Working paper.
- \* Gul, F.A. (2006). Auditors' Response to Political Connections and Cronyism in Malaysia. *Journal of Accounting Research*, 44 (5), 931-63.
- \* Habib, A. and Muhammadi, A.H. (2018). Political connections and audit report lag: Indonesian evidence. *International Journal of Accounting & Information Management*, <https://doi.org/10.1108/IJAIM-08-2016-0086>.
- \* Jian, M. and Wong, T. J. (2010). Propping through related party transactions. *Review of Accounting Studies*, 15, 70-105.
- \* Johnson, S. and Mitton, T. (2003). Cronyism and capital controls: Evidence from Malaysia. *Journal of Financial Economics*, 67 (2), 351-382.
- \* Kross, W. and Schroeder, D.A. (2015). An empirical investigation of the effect of quarterly earnings announcement timing on stock returns. *Journal of Accounting Research*, 22 (1), 153-176.
- \* La Porta, R., Lopez-de-Silanes F., Shleifer, A. and Vishny, R. (2000). Investor Protection and Corporate Governance. *Journal of Financial Economics*, 58 (1-2), 3-27.
- \* Leuz, C. and Oberholzer-Gee, F. (2003). Corporate transparency and political connections. Mimeo. Wharton School, Philadelphia, PA
- \* صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۶). تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی و تجدید ارائه صورتهای مالی آتی: نقش تعدیلی وابستگی اقتصادی و تخصص صنعت حسابرس، دانش حسابداری حسابرسی مدیریت، ۶۰(۲۳)، ۱۶۸-۱۵۵.
- \* ملایمنی، وحید و مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱(۴۵)، ۷۱-۵۱.
- \* واعظ، سیدعلی و احمدی، وریا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین دو عامل حق الزحمه حسابرسی و تغییر حسابرس با تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی شرکت های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. حسابداری سلامت، ۳ (۲)، ۷۷-۹۵.
- \* Bamber, E.M., Bamber, L.S. and Schoderbek, M.P. (2011). Audit structure and other determinants of audit report lag: an empirical analysis. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 12 (1), 1-23.
- \* Benjamin, S.J., Zain Wahab, M.M. and Abdul, M.A. (2017). Political connections, institutional investors and dividend payouts in Malaysia. *Pacific Accounting Review*, 28 (2), (in-press), <http://dx.doi.org/10.1108/PAR-06-2015-0023>.
- \* Bennouri, M., Nekhili, M. and Tournon, P. (2015). Does Auditor Reputation "Discourage" Related-Party Transactions? The French Case. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34 (4), 1-32.
- \* Berkman, H. and Galpoththage, V. (2016). Political connections and firm value: an analysis of listed firms in Sri Lanka. *Pacific Accounting Review*, 28 (1), (in-press), <http://dx.doi.org/10.1108/PAR-06-2014-0020>.
- \* Bliss, M. A. and Gul, F. A. (2012a). Political Connection and Cost of Debt: Some Malaysian Evidence. *Journal of Banking and Finance*, 36, 1520-1527.
- \* Bliss, M. A., Gul, F. A. and Majid, A. (2011). Do Political Connections Affect the Role of Independent Audit Committees and CEO Duality? Some Evidence from Malaysian Audit Pricing. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 7, 82-98.
- \* Boubakri, N., Cosset, J. and Saffar, W. (2008). Political Connections of Newly Privatized Firms. *Journal of Corporate Finance*, 14 (5), 654-673.
- \* Boubakri, N., Guedhami, O., Mishrs, D. R. and Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital. *Journal of Corporate Finance*, 18 (3), 541-559.
- \* Brooks, L. (2016). Political Connection and the Demand for Industry Specialist Auditors. *Accounting and Finance Research*, 5 (1), 210-231.
- \* Chaney, P.K., Faccio, M. and Parsley, A. (2011). The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1 and 2), 58-76.
- \* Courtis, J. K. (2008). Relationships between timeliness in corporate reporting and corporate

#### یادداشت‌ها

- <sup>1</sup> Boubakri  
<sup>2</sup> Bliss and Gul  
<sup>3</sup> Berkman and Galpoththage  
<sup>4</sup> Gul  
<sup>5</sup> Bliss  
<sup>6</sup> Boubakri  
<sup>7</sup> Chaney  
<sup>8</sup> Bamber  
<sup>9</sup> Courtis  
<sup>10</sup> Kross and Schroeder  
<sup>11</sup> Johnson and Mitton  
<sup>12</sup> Fan  
<sup>13</sup> Faccio  
<sup>14</sup> Choy  
<sup>15</sup> Leuz and Oberholzer-Gee  
<sup>16</sup> La Porta  
<sup>17</sup> Habib and Muhammadi  
<sup>18</sup> Brooks  
<sup>19</sup> Benjamin  
<sup>20</sup> Tanyi and Raghunandan  
<sup>21</sup> Zhang  
<sup>22</sup> Kothari